

«پنجم جمادی الاول، ولادت حضرت زینب

سلام الله علیها وروزپرستار مبارک باد»

زینب کبری،



عالمه غیر معلمه

لقاب مبارکش

۱- زینب الکبری: و اینکه به آن حضرت زینب الکبری می گویند برای مشخص شدن و تمیز دادن او از سایر خواهرانش (از دیگر مادرها) است که به همین نام، نامیده شده اند.

۲- الصدیقه الصغری: صدیقه لقب مبارک مادرش زهرای مرضیه سلام الله علیها است و چون شباهتهای بی شماری میان مادر و دختر وجود داشت لذا این حضرت را نیز «صدیقه» می نامند و برای اینکه فرق داشته باشد به حضرت زهرا «صدیقه کبری» می گویند و حضرت زینب را «صدیقه صغری» می نامند.

۳- از دیگر القاب حضرتش «عقیله» است و عقیله به معنای بانوی است که در قوهش از کرامت و ارجمندی بخصوصی برخوردار باشد و در سخنانش، عزت و محبت فوق العاده ای داشته باشد. و همچنین او را «عقیله بنی هاشم» و «عقیله الطالبتین» می نامند.

از دیگر القابش: موقعه، عارفه، عالمه غیر معلمه، عابدۀ آل علی فاضله و کامله است.

مقام و منزلت حضرت زینب

حضرت زینب دارای منزلت والاّنی در میان برادرانش بود و احترام فوق العاده ای داشت تا آنجا که حضرت سید الشهداء علیه السلام بسیار از اسرار امامت را به او سپرد و او را لایق دانست که امین امامت باشد. علامه سید جعفر بحر العلوم در «تحفة العالم» نقل کرده است که در بعضی از روایات وارد شده که روزی حضرت زینب بر برادرش امام حسین وارد شد و حضرت در آن وقت، مشغول تلاوت قرآن بود. احترام حضرت زینب، قرآن را بر زمین گذاشت و از جا برخاست.

حضرت زینب سلام الله علیها در روز پنجم جمادی الاول از سال پنجم یا ششم هجری در مدینه متوجه چشم به دنیا گشود و در خاندان عصمت و طهارت پرورش یافت؛ و چه تربیت کنندگانی بالاتر از پنج تن آل عبا علیهم السلام که هر یک به نحوی در تربیت این شخصیت والا مقام، نقش داشته اند و زینب در اثر این آموزشها و تربیتها به مقامی از فضیلت و دانش رسید که پس از مادرش حضرت زهرا، هیچ بانویی در تاریخ اسلام به آن مقام ارجمند نرسیده و آن ردای جلال و عظمت را در بر نکرده است.

از آن مقام علمی و تقوایی که بگذریم، حضرت زینب بالاترین شرافت را داشت زیرا جدش پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله و پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام و مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها و جدۀ اش خدیجه کبری سلام الله علیها و عمویش جعفر طیار علیه السلام و برادرانش ریحانه های رسول خدا، حسن و حسین، علیهما السلام است.

در نامگذاری حضرت زینب وارد شده است که: وقتی متولد شد، مادرش حضرت زهرا او را نزد پدرش علی علیه السلام آورد و گفت: نام این نوزاد را تعیین کن. حضرت فرمود: من در نامگذاری بر رسول خدا صلی الله علیه وآله، سبقت نمی گیرم حضرت در آن وقت، به مسافرت تشریف برده بود و هنگامی که بازگشت، علی علیه السلام از او خواست که نام این مولود را تعیین کند. حضرت رسول صلی الله علیه وآله نیز فرمود: من از خدایم در نامگذاری سبقت نمی گیرم. جبرئیل امین بر پیامبر نازل شد و سلام ربّ جلیل را ابلاغ کرد و گفت: نام این نوزاد را «زینب» بگذارید که خداوند این نام مبارک را برایش برگزیده است. آن وقت پیامبر خبر داد که چه مصیبتی بر این نوزاد خواهد گذشت و پیامبر گریست و فرمود: هر که بر مصیبتها و محنتهای این دختر گریه کند، مانند کسی است که بر مصیبتهای برادرانش حسن و حسین گریسته است.

کتابه حضرت زینب «ام کلثوم» است.

عبادت و عصمت حضرت زینب

حضرت زینب در عبادت و پرستش پروردگاران، نسخه دوم مادرش حضرت زهرا سلام الله علیها بود زیرا هر چه عرفان و شناخت انسان به ساحت اقدس پروردگارش بیشتر باشد، عبادتش بیشتر و خضوع و خشوعش افزونتر است و لذا انبیاء و امامان علیهم السلام، عبادتشان از تمام مردم بیشتر بود. و حضرت رسول صلی الله علیه وآله به قدری عبادت می کرد و نماز می خواند که پاهای مبارکش از بسیار ایستادن ورم کرده و چهره اش زرد رنگ شده بود که آیه نازل شد «طه ما نزلنا عليك القرآن لنشقى» و وقتی از حضرت می پرسیدند: چرا اینقدر خود را به اذیت می اندازد و شبها را تا به صبح به نماز می گذراند می فرمود: «أولاً اکون عبداً شكوراً؟» - آیا بنده سپاسگزاری نباشم؟

بهر حال، حضرت زینب، از آن شناخت بالائی برخوردار بود که بیشتر شبهاش را با نماز و تلاوت قرآن می گذراند. برخی از اهل فضل نوشته اند که حضرت زینب در تمام عمر هیچ شبی را بدون نماز شب نگذراند حتی شب یازدهم محرم. و از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده که آن شب عتمه ام را دیدم که نشسته نماز شب می خواند. و همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «ان عقتی زینب مع نلک المصائب والمحن التازلة بها فی طریقنا الی الشام، ماترتک نوافلها اللیلة» - عتمه ام زینب با آن همه مصیبتها و محنتها که بر او وارد شده بود، با این حال در سفر شام هرگز نماز شب خود را ترک نکرد.

بیرجندی و دیگر سیره نویسان نقل کرده اند که وقتی امام حسین علیه السلام برای آخرین وداع با خواهرش، به خیمه آمد، به خواهر فرمود: خواهر جان! مرا در نافله شب (نماز شب) از یاد ببر. و این عبادتها و نمازهای حضرت زینب، حکایت از وابستگی تام او به پروردگارش دارد تا آنجا که کسی شک در معصوم بودنش نمی تواند بکند. و این منزلت والا و مقام ارجمندی که پیدا کرد که همپراز با اولیا و انبیای الهی شد، بی گمان از همین خلوص و وابستگی کامل او به پروردگارش بود.

دلیل دیگری که عصمت آن بزرگوار را به اثبات می رساند شهادت امام سجاد علیه السلام است که به او فرمود: «عتمه، انتی عالمة غیر معلمة و فهمة غیر مفهومة» - عتمه جان! تو عالمة ای هستی بدون اینکه معلّم داشته باشی و توفهمیده ای هستی، بی آنکه کسی مطالب را بتو فهمانده باشد. و اگر کسی مسائل کربلا را مدنظر قرار دهد و آن همه مسر و شکیبائی را از یک زن، با آن همه مصیبت و بلا ببیند و آن عظمت روحی را در این بانوی نمونه بنگرد تا جایی که پس از دیدن جسد پاره پاره برادر، دست را بسوی خدایش دراز کند و عرض نماید: «خداوند! این قربانی را از ما بپذیر»، بدون شک به این نتیجه می رسد

که حضرت زینب، معصوم از هر خطا و اشتباه بوده است.

و اگر ابراهیم خلیل پس از آن ایشار بزرگ و قربانی کردن فرزندش «اسماعیل» در مسلخ عشق به مقام «خلت» رسید، چا دارد که دخترش زینب با آن درجه بالای از خلوص و تقرب به پیشگاه الهی و با گذشتن از برادری همچون حسین در مسلخ عشق، به مقام «عصمت» برسد.

مقام علمی حضرت زینب

بالا ترین گواه بر مقام والای علمی و فضیلت حضرت زینب، همان سخن امام سجاد علیه السلام است که درباره اش فرمود: «عالمه غیر معلّمه». و هر چند حضرت زینب در خاندان علم لدنی پرورش یافته بود و از دروازه علم پیامبر صلی الله علیه وآله بهره ها برده بود و به مرتبه بالائی از علم و دانش رسیده بود ولی به تحقیق این گواهی حضرت سجاد علیه السلام، شامخترین مقام علمی را برای او ابلاغ می نماید. و اگر در روایت داریم که: «من اخلص لله اربعین صباحاً، انفجرت ینایع الحکمة من قلبه علی لسانه» - هر که چهل روز برای خدا اخلاص داشته باشد، چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می شود، پس زینب کبری که تمام عمرش، خلوص و نهایت خضوع و فروتنی در برابر پروردگارش بود و انقطاع الی الله داشت و با شناخت، خدای را می پرستید، قطعاً چشمه های علم و حکمت الهی بر زبان مبارکش جاری بود.

شیخ صدوق «قدس سره» نقل کرده است که حضرت زینب، از سوی برادرش امام حسین علیه السلام نیابت و وکالت داشت و مردم در خلال و حرام خود به او مراجعه می کردند تا وقتی که امام زین العابدین علیه السلام، از بیماریش بهبودی یافت.

و از حضرت زینب روایتهای زیادی نقل شده است از جمله خطبه حضرت زهراء سلام الله علیها در مورد «فدک» را، ایشان نقل کرده است که راوی حدیث ابن عباس از حضرت زینب، سخنان مادرش حضرت زهرا سلام الله علیها را نقل می کند.

فاضل دربندی «ره» معتقد بوده است که حضرت زینب علم منایا و بلایا می دانست و حتی آن حضرت را از مریم و آسیه علیهما السلام نیز برتر می داند. ایشان بر این باور است که سخن حضرت سجاد که درباره اش فرمود: «عالمه غیر معلّمه» است، دلیل است بر این که علم حضرت زینب از علوم لدنی است و به او الهام می شده است.

سید نورالدین جزایری در کتاب، «خصائص الزینبیه» آورده است که حضرت زینب در زمان حیات پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام، در

کافر در قیامت می گوید که همه اموال من در عین حال که به من ارتباط داشت، از من گرفته شد «ما اغنی عني ماليه، هلك عني سلطانيه»^{۱۰}. پس تمام ارتباط ها را خداوند قطع می کند. با حفظ اموال هیچ کاری از اموال ساخته نیست و با داشتن همه اولاد، کاری از اولاد ساخته نیست «لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئاً»^{۱۱}.

در سوره انفال هم فرمود: نه از حزب و گروه و نه از قبیله و عشیره کاری ساخته است، «ولن تغني عنكم قتلکم شيئاً ولو کثرت»^{۱۲}. اینطور نیست که گروه شما حالا که زیاد هستند، کاری از آنها ساخته باشد. اگر مؤمنین یک طرف بودند و شما هم یک طرف و حساب، حساب عادی بود، شما می توانستید به گروهتان یا به کثرت گروهتان ببالید، اما اگر شما یک طرف و مؤمنین - که خدا با مؤمنین است - در طرف دیگر، یقیناً مؤمنین پیروزند. در ادامه همان آیه آمده است: «وان الله مع المؤمنین» - و همانا خداوند با مؤمنان است.

بنابراین در جریان دنیا سه قسمت را جدای از هم ذکر فرموده است. می فرماید که وقتی سقوط دنیائی آنها فرا رسد، ۱- مال آنها بی اثر است. ۲- اولاد آنها بی اثر است. ۳- قبیله و عشیره آنها نیز بی اثر است. ولی در دنیا هم مال و هم اولاد و هم قبیله ممکن است وجود داشته باشند و بی اثرند، اما در آخرت اینها وجود ندارند، لذا فقط بفرض آنها را ذکر می کند که اگر مال داشته باشد، حاضر است بدهد و برهد؛ اگر اولاد داشته باشد، حاضر است قربانی کند برای اینکه خودش رها شود و اگر همه مردم روی زمین، عشیره و قبیله و دوستان او بودند، حاضر بود همه را فدا کند و برهد.

در سوره یونس، آیه ۵۴ چنین می فرماید: «ولو ان لكلي نفس ظلمت، ما فی الأرض لافنتدت به وأسر الندامة لما رأوا العذاب وفضی پیتهم بالقسط وهم لا یظلمون».

- اگر برای هر انسانی که ظلم کرده است، آنچه در زمین است باشد، حاضر است همه آنها را به عنوان فدیة بدهد و هنگامی که عذاب را ببینند، پشیمان شوند و خداوند عادلانه بین آنها حکم خواهد کرد و هرگز به آنها ستم نمی شود.

باز همین معنی در سوره زمر، آیه ۴۷ آمده است: «ولو ان للذین ظلموا ما فی الأرض جمیعاً ومله معه لافتدوا به من سوء العذاب يوم القيامة ویدالهم من

بقیه از زینب کبری، عالمة غیر معلّمه کوفه، مجلس درس تفسیر قرآن در منزلش داشت، و قرآن را برای زنان تفسیر می کرد.

بهر حال، ولادت با سعادت حضرت زینب سلام الله علیها را که مصادف با روز «پرستار» است به همه ائمت پاسدار اسلام به ویژه پرستاران مستشهد و وظیفه شناس، تبریک و تهنیت، عرض می کنیم و امیدواریم پرستاران عزیزمان از زندگی سراسر افتخار و بربرکت حضرت زینب الکو

الله مالک یکنونوا یحسون».

- و اگر ستمگران را تمام زمین و مسائل زمین بود، همه آن را حاضر بودند فدیة بدهند تا در روز قیامت از آن عذاب سخت و دردناک رهایی یابند و اینان در روز قیامت چیزهایی را از سوی خداوند می بینند که هرگز حساب آن را هم نمی کردند.

و اما در مورد دوستان و فامیل شخص کافر که در روز قیامت هیچ اثری برای او ندارد، در قرآن در سوره معارج، آیه ۱۰ به بعد می فرماید:

«ولایسأل حمیم حمیماً، بصرؤنهم یؤذ المجرم لو یفندی من عذاب یومئذ بینه و صاحبته وأخیه وفضیله التي نؤوبه...»

در آن روز رستاخیز هیچ دوستی از دوست گرم خود یاری نمی طلبد؛ آنها اینچنین دیده می شوند که مجرم دلش می خواهد برای اینکه از عذاب آن روز رهایی یابد، از فرزندانش و همسرش و برادرش و قوم و عشیره اش بگذرد و همه را به عنوان فدیة تقدیم کند، ولی فایده ای ندارد.

و نه تنها از همه آنها می گذرد که حاضر است تمام مردم روی زمین را به عنوان فدیة بدهد و خود نجات یابد. در ادامه همان آیه می خوانیم «ومن فی الأرض جمیعاً ثم ینجیه» آری! اگر تمام مردم روی زمین، قبیله و عشیره و فامیل او بودند، او حاضر بود از همه آنها بگذرد و تنها خودش را برهاند ولی در پاسخ به او گفته می شود:

«کلا آنها لظی نزاعة للشوی، ندعوا من أذبر وتولی وجمع فأوعی».

- هرگز ترحمی برای او در کار نیست. اینجا آتش برافروخته جهنم است که بر او شعله و راست تا اندامش را و سرو صورت و پوستش را بسوزاند. همان آتشی که فرا می خواند آن کسانی را که از خدا روی برگردانده و مخالفت ورزیدند و مال دنیا را جمع کرده و ذخیره نمودند. نستجیر بالله».

ادامه دارد

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------|
| ۱- سوره مجید «ص» - آیه ۳. | ۷- سوره اسراء - آیه ۷۹. |
| ۲- سوره اعراف - آیه ۳۸ و ۳۹. | ۸- سوره فصلت - آیه ۳۰. |
| ۳- سوره ابراهیم - آیات ۲۵ و ۲۶ و ۲۷. | ۹- سوره لیل - آیه ۱۱. |
| ۴- سوره رعد - آیه ۲۸. | ۱۰- سوره حاقه - آیه ۲۹. |
| ۵- سوره زخرف - آیه ۷۷. | ۱۱- سوره آل عمران - آیه ۱۱. |
| ۶- سوره اعلی - آیه ۱۳. | ۱۲- سوره انفال - آیه ۱۹. |

بگیرند و با همان خلوص و قصد فریضی که زینب عمرش را گذرانند، بکار مهم و ارزشمند پرستاری ادامه دهند و اجر و پاداش خود را در مقابل آنهمه خدمات خالصانه، تنها و تنها از خدای خود بخواهند زیرا حقوق ناچیزی که می گیرند در مقابل عظمت و بزرگی مسئولیت، ارزشی ندارد و این تنها برای بگذران دوروز دنیا است که به هر حال سپری می شود و آنچه می ماند اعمال انسان است که هر چه میزان خلوص در آنها باشد، میزان قرب الی الله بیشتر و افزونتر خواهد بود. والسلام